

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

بروفیق اربش هونکر
 دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان!
 رفیق عزیز!
 کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود
 و همه اعضای حزب ما ۲۷ - مین سالگرد تأسیس
 جمهوری دموکراتیک آلمان را به شما و بوسیله شما به
 کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و به

نامه شادباش حزب توده ایران

به حزب سوسیالیست متحده آلمان بمناسبت بیست و هفتمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان

سرزمین آلمان در ۲۷ سال پیش رویداد تاریخی بسیار
 بالاهمیتی بود. این واقعه نه تنها موجب شد که دولتی
 هوادار صلح و امنیت در قلب اروپا بوجود آید و تأثیر
 مستقیم بر امر تنش زدائی و تقویت نیروهای صلح و
 مخالفت جنگ در سراسر اروپا و جهان بخشد، بلکه
 همچنین امکان داد که بخشی از مردم آلمان از مواهب
 رژیم سوسیالیستی و دست آورد های آن در زمینه نیل
 به ترقیبات سریع اقتصادی و علمی و فرهنگی و رفاه
 روز افزون اجتماعی بهره مند گردد.

همه زحمتکشان کشور شما صمیمانه تبریک میگویند.
 تأسیس اولین دولت کارگری - دهقانی در



بروفیق اربش هونکر

طی مدت کوتاهی که از تأسیس جمهوری
 دموکراتیک آلمان میگذرد کشور شما از لحاظ پیشرفت
 های سریع صنعتی در شمار معدودی کشورهای پیشرفته
 قرار گرفته و در آن اقتصاد شکوفان سوسیالیستی به
 ثمر نشسته است. اکنون زحمتکشان جمهوری دموکراتیک
 آلمان تحت رهبری حزب سوسیالیست متحده آلمان
 سرگرم ساختمان سوسیالیسم پیشرفته و پایه گذاری
 پایه های کمونیسم در کشور خود هستند. در همین
 کنگره حزب شما خط مشی ای که مسأله منتهی به
 نیل به نتایج درخشانی در سالهای آینده میگردد تعیین
 گردید.

در جامعه کشور های سوسیالیستی ' جمهوری
 دموکراتیک آلمان یکی از نزدیکترین دوستان اتحاد
 جماهیر شوروی است که بنوبه خود و بحق پایگاه
 دنباله در صفحه ۲

انتخابات انجمن ها و «دمکراسی» شاهانه

در ابتدای این کارزار خود شاه بود که رسماً دستور
 داد انتخابات انجمن ها و شورا ها انتخابات انجمنهای
 ' دموکراتیک ' نامیده شود. در پی ' فرمان ملوکانه،
 کارگردانهای حزب خلق الساعه رستاخیز مزایای زیادی
 برای انتخابات این دوره انجمنها برشمردند. آنها مدعی
 شدند که گویا انتخابات رستاخیزی مظهر بیطرفی و
 بیطرفی دولت از یک جانب و نمونه شرکت آزاد
 و مؤثر مردم در اداره امور کشور از جانب دیگر است.
 اکنون که کار انتخابات انجمنها پایان خود
 نزدیک میشود، مردم بار دیگر در عمل می بینند و به
 تجربه در می یابند که در انتخابات رستاخیزی جز با
 یک کارزار سازمان داده شده پلیسی و تحمیلی با چیز
 دیگری سرو کار نداشته اند. وعده ' واکفاری کار
 مردم ب مردم ' از راه ' انتخابات آزاد ' و ایجاد انجمن
 های واقعی ' همچنان پا در هوا ماند. خود انتخابات
 جعلی و آنچه بنام انجمن ها سر هم بندی میشود تپه
 از هر گونه ماهیت ومضمون دموکراتیک است. انجمن
 هایی که انتخابات آن در شرایط ادامه و حتی تشدید
 بیش از پیش ترور پلیسی و آدمکشی علنی صورت
 میگیرد، انجمن هایی که با محروم داشتن مردم از
 استفاده از همان حقوقی که در هفتاد سال پیش در
 قانون اساسی ایران به آنها داده شده سر هم بندی
 میگردد، تنها تنها میتوانند ابزار کار خود رژیم موارا
 ارتجاعی و استبدادی باشد. چنین انجمنهایی تنها به
 نیت رژیم در ایجاد تسمه ها و حلقه هایی که بتوانند
 استبداد سلطنتی را در پوشش ' دموکراسی ' ب مردم
 تحمیل نمایند، تحقق میبخشد.

دنباله در صفحه ۲

۲۲ شهریور ماه اسامی نامزد های انتخابات
 انجمن های شهر و شهرستان و شورا های آموزش و
 پرورش منطقه ای از جانب ' هیئت اجرایی حزب
 رستاخیز، اعلام گردید. متعاقب این اعلام دستور
 توزیع کارتهای انتخاباتی از ۲۳ شهریور ماه صادر شد.
 بدینسان انتخابات انجمنها و شورا ها که از اوایل سال
 پیرامون آن جنجال وسیعی بر اه انداخته شده، وارد
 مرحله نهایی گردیده و بپایان خود نزدیک میشود.
 روز اخذ رأی برای انتخاب نمایندگان انجمنهای
 شهر وشهرستان وشورا های آموزش و پرورش منطقه ای
 ۲۲ مهر ماه تعیین شده، محافل دولتی و حزب شهباشته
 رستاخیز اکنون تلاش بعمل میآورند تا با صدور
 هر چه بیشتر کارتهای انتخاباتی ' آرایش محل های
 اخذ رأی و در روز رأی گیری ' آلودن منظم انتخاب
 کنندگان بپای صندوقها، منظره قابل قبول تری از
 استقبال مردم و شرکت و آنها در انتخاباتی که در
 شرایط ترور پلیسی و خفقان دیکتاتوری انجام میشود،
 بانکار عمومی داخل و خارج کشور عرضه دارند. تمام
 نیروی رژیم تجهیز شده تا برای مدت چهار سال دیگر
 کرسیهای انجمنها و شورا ها تمام و کمال در اختیار
 کسانی بنام نماینده گذاشته شود که صلاحیتشان از
 هر جهت مورد تأیید سازمانهای دولتی و درباری ' و
 بویژه سازمان امنیت قرار گرفته و طبیعی است که در
 میانهای عوامل وابسته به این سازمانها نیز کم نخواهند
 بود.

تحت عنوان انتخابات انجمنهای شهر وشهرستان
 و شوراهای آموزش و پرورش منطقه ای ماههاست از
 جانب رژیم کارزار تبلیغاتی وسیعی بر اه انداخته شده.

کنفرانس جهانی خلع سلاح در هلستینکی و کوشش تسلیحاتی در ایران

های امپریالیستی و کشورهای از ' جهان سوم ' که زیر
 نفوذ آنها هستند، هر ساله افزایش یافته و اکنون به
 بیش از سیصد میلیارد دلار یعنی مبلغی که میتوان با آن
 فقر و گرسنگی را از جامعه بشری ریشه کن کرد،
 رسیده است. خیلی دور نرویم در کشور ما ایران که
 با طنبهای محکمی به امپریالیسم و در درجه اول امپریا
 لیسم آمریکا وابسته است هزینه های ارتش سرانه
 از هر کشور دیگر جهان بیشتر شده و ازدهای تسلیحات
 گرانبهاترین ثروت طبیعی ما نفت را در کام خود فرو
 میبرد، در حالیکه اکثریت مردم ایران دچار تنگدستی
 و محرومیت هستند.

با توجه بهچنین وضعی است که نیروهای صلح
 دوست جهان مبارزه علیه مسابقه تسلیحاتی، منع سلاح
 های هسته ای و امحاء دستجمعی و خلع سلاح را برای
 پیشرفت سیاست تنش زدائی و دهنه زدن به نیرو های
 اهریمنی سرد جو و جنگ طلب و جبهه همت خود قرار
 داده و تمام کوشش خود را بکار میبرند تا به آرزوی
 جامعه بشری یعنی آرزوی صلحی پایدار و جهانی آسوده
 از خطر جنگ و عواقب آن، جامه عمل بپوشانند.

در چارچوب چنین مبارزه ایست که بانیکار
 دشورای ادامه و ارتباط، کنگره جهانی نیروهای صلح
 کنفرانس جهانی برای پایان دادن بمسابقه تسلیحاتی،
 خلع سلاح و تنش زدائی در هلستینکی تشکیل گردید.

کنفرانس جهانی خلع سلاح

این کنفرانس روز ۲۳ سپتامبر با شرکت
 نمایندگان جنبشهای ملی صلح نود کشور از تمام
 قاره های جهان و پنجاه و دو سازمان بین المللی از
 جمله سازمان ملل متحد و بسیاری از شخصیتهای سیاسی
 و مذهبی، اجتماعی و فرهنگی در هلستینکی پایتخت
 کشور صلحدوست فنلاند از طرف نخست وزیر این
 کشور در حضور رئیس جمهور فنلاند گشایش یافت و
 روز ۲۶ سپتامبر در تالار بزرگ تاریخی فنلاند، جایی
 که یکسال پیش کنفرانس امنیت اروپائی با موفقیت
 پایان پذیرفت، با صدور یک اعلامیه، پات پیام به
 سی و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد و
 بمناسبت گذشت یکسال بر کنفرانس امنیت اروپائی
 دنباله در صفحه ۲

در همانحال که در نتیجه کوشش خستگی
 ناپذیر مجتمع کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها
 اتحاد جماهیر شوروی و نیز نیروهای صلحدوست جهان
 سیاست تنش زدائی در اروپا با تشکیل کنفرانس موفقیت
 آمیز امنیت و همکاری اروپائی در هلستینکی با شرکت
 ۳۵ کشور اروپائی در یکسال پیش راه خود را باز کرد
 و گرایش باین سیاست از قاره اروپا پا فراتر نهاد
 محافل مینبی از کشورهای امپریالیستی بویژه انحصاراتی
 که با تولید و فروش سلاحهای مرگ زا میلیارد ها
 دلار بجهت های پر نشدنی خود سرازیر میکنند بدست
 و با افتادند تا راه پیشرفت سیاست صلح آمیز تنش
 زدائی را ببندند و اگر ممکن شود آنرا بقبب رانده و
 جهان را بار دیگر بدوران جنگ سرد بازگردانند. در
 این میان سیاست جنگ جویانه بکن نیز بیاری اینگونه
 محافل شتافته و با تبلیغ 'آدمکشی برای جنگ' و لزوم
 تشدید تسلیحات در کشورهای عضو ' ناتو ' تحت
 عنوان ساختگی و موهوم خطر اتحاد شوروی آب به
 آسیاب دشمنان بشریت میریزند. در نتیجه این اقدامات
 تخریبی است که بودجه های جنگی و نظامی کشور

رژمنای های ماوراء مدرن

امریکائی در خلیج فارس

پنتاگون تأیید کرده است که ایران
 بزودی اسلحه ای دریافت خواهد کرد که از
 سلاحهای خود امریکا مدرن تر است. روز
 پنجشنبه پنجم اکتبر ۱۹۷۶ یک سخنگوی
 نیروی مسلح امریکائی اعلام داشته است
 که اظهارات چینی کارتر کاندید حزب
 دموکرات امریکا درمناظره تلویزیونی پارلیامنت
 انتخاباتی خود کاملاً دقیق است. موافق
 اظهارات کارتر در آتیبه ای بسیار نزدیک
 رژیموهای از نوع ' اسپروئشن ' که بمراتب
 کاملتر از رژیموهای هائی است که وزارت دریا
 داری امریکا دریافت داشته بدولت ایران
 تحویل خواهد شد.
 روزنامه اومانیتیه ۹ اکتبر ۱۹۷۶

شعار جبهه ضد دیکتاتوری و واکنش دشمن

طبقاتی و حزبی و گروهی ' متحد شوند ' پایه اساسی
 و واقعی برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی محمد
 رضا شاه گذاشته شده است. و این همان تیری است
 که بقلب دشمن می تشنید.
 واکنش ساواک و همکاران تفرقه اندازش
 میباشد برای همه آن عناصر و گروههایی در اوپوزیسیون
 ضد رژیم ' که هنوز در صحت شعار ' جبهه ضد
 دنباله در صفحه ۲

گاه درستی یک شعار را نه فقط در بر خورد
 دوست، که در واکنش دشمن نیز میتوان سنجید.
 یعنی اگر شعاری ' مخالفت فوری ' آشکار و خشن دشمنی را
 بر انگیزد، چنین واکنش بنوبه خود میتواند ملایمی
 برای صحت آن شعار باشد. و این حکم در مورد
 شعار ' جبهه ضد دیکتاتوری ' صدق پیدا کرده است.
 شعار ' جبهه ضد دیکتاتوری '، که بانیکار
 خوب توده ایران ' به نیرو های ضد رژیم استبدادی
 محمد رضا شاه عرضه شده، نه فقط در جبهه نیروهای
 ضد رژیم بازتاب مثبت و وسیعی یافته، بلکه با واکنش
 فوری ' آشکار و خشن دشمنان رنگارنگ خلفای
 ایران و جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم
 ایران روبرو شده است. از یکسو ساواک تمام نیرو
 های آشکار و پنهان و همه عوامل مستقیم خود را برای
 بی اعتبار کردن بیشتر این شعار بحرکت در آورده و
 از سوی دیگر تفرقه اندازان خائن و مرتئی چون
 مائولینسها و تروتسکیستها و آنارشیسها، با همان
 هدف ساواک بمیدان آمده اند. کار بجائی رسیده است
 که ورق پاره خلق الساعه ای بنام ' نا فرمان ' که
 ظاهراً نشریه گروه خلق الساعه ای بنام ' آنارشیسهای
 فارسی زبان ' است، اعلامیه جدا گانه ای در باره
 جبهه ضد دیکتاتوری حزب توده، منتشر ساخته وطنی
 آن - طبق معمول با ناسزا و اتهام و البته بنام ' سوسیالیسم
 لیسم - ' به حزب توده ایران و شعار ' جبهه ضد
 دیکتاتوری، تاخته است! نگرانی و اضطراب ' قریب
 و فغان ' خشم و کینه ' تلاش تب آلود و مغرب
 ساواک و همکاران تفرقه اندازش در برابر ' شعار جبهه
 ضد دیکتاتوری، البته بجاست؛ در واقع هم اگر
 جبهه ضد دیکتاتوری، تشکیل شود یعنی اگر همه
 نیروهای ضد رژیم استبدادی محمد رضا شاه ' صرف نظر
 از عقاید سیاسی و مسلکی، صرف نظر از وابستگی

باروستا و با شهر

(شهری رسیده از زندان)
 وقتی که مهبومی بزرگ و سرخ
 با جامه شوریدگان خلق
 در ازدحام شهر بی آواز میگردد،
 و می نشیند در میان قهوه خانه های دود آلود
 با گل مراد و محسن و بقراط
 و در مرسومه می دود با خسرو و بهروز
 و در ختیبان عابراں را با سلامی بر می انگیزد
 و در اتوبوس از گرانهای رنج روز میگوید
 و با دلی غمناک می نشیند در کنار کارمندان
 و سوگواری میکند بر مزار رتبه و قانون
 و در جنوب شهر بر دیوارهای فقر میکوبد
 و در کنار کار و زحمت می براید شعر خونین
 زهائی را
 زندان چه بی مقدار می آید
 این قلعه پوسیده، این تلبیر!
 این بند و این زنجیر!

باز هم يك معامله كشيف ديگر

روزنامه «پراودا» ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی در شماره ۵ اکتبر ۱۹۷۶ خود از زبان مخبر خبرگزاری شوروی از نیویورک چنین اطلاع میدهد:

انشاء جریانات رشوه دهی از طرف شرکت انحصاری ساختمان هویلیماسوم به «گرومن کورپوریشن» برچال کشور های دیگر بقتصد فروش محصولات خود پیش از این بصورت یک رسوایی مالی در میاید. کمسیون فرعی مجلس سنای امریکا که با امور شرکت های چند ملیتی مشغول است، در جلسات بازرسی خود عده ای از نمایندگان شرکت نامبرده را که مستقیماً گواه فعالیت غیر قانونی آن بودند، مورد بازجویی قرار داد. تند نویس بازجویی که خود آن مجرمانه و در پشت درهای بسته انجام گرفت، با اطلاع روزنامه «نیوزی» چاپ نیویورک رسید، یکی از نمایندگان عمده شرکت کوروسین بنام «آلبرت فیوج» در جریان بازجویی اعتراف کرده که بوسیله او و نماینده دیگری بنام لای ریچل رسمی دولت ایران میالغ هنگفتی بنام رشوه پرداخت شده است. از جمله در سال ۱۹۷۴ شرکت نامبرده در مورد فروش ۸۰ فنرود هسویمیایی ف ۱۴ با ایران به توافق رسیده است. در ژوئن ۱۹۷۵ موافق اظهارات آلبرت فیوج، دیداری ما بین وی و وسیپید طوقانیان معاون وزارت جنگ که بر رأس اداره خرید تسلیحات در این وزارت قرار دارد انجام گرفت. در این دیدار رئیس «گرومن اینتر نیشنل» که شرکت وابسته به شرکت اصلی گرومن است بنام «پیتر اوم» نیز حضور داشت. این شخص محصولات شرکت را در کشور های خارجی بفروش میرساند. «آلبرت فیوج» میگوید که در این دیدار طوقانیان صاف ساده اظهار کرد که همه کار ها رو بسراه خواهد شد اگر او هرچه سریعتر پول موعود را دریافت دارد. فوراً در همانجا «پیتر اوم» در حضور اوسلنی امضا کرد حاکی از اینکه شرکت «گرومن اینتر نیشنل» متعهد میگردد که مبلغ ۲۴ میلیون دلار به طوقانیان بپردازد. «آلبرت فیوج» اطلاع داد که هم او هم شرکتش لای ریچل مجبور شدند به نمایندگان دیگر ایرانی نیز پرداخته های بکنند. او گفت که یکی از آنها خواهرزاده شاه بود.

کنتفرانس جهانی خلع سلاح در هلستینکی . . .

يك تأييد نامه با تائقی آراء تصویب شد و کنتفرانس پایان پذیرفت. شرکت کنندگان که شماره آنها فزونی از پانصد نفر بود در چهار روز فعالیت مداوم خود در چهار کمسیون و هفت میز گرد با بررسی نتایج زبانبار حاصل از مسابقه تسلیحاتی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور ها و بویژه در کشور های در حال رشد و آثار نیکوئی که از پایان دادن بمسابقه تسلیحاتی، تقلیل تسلیحات و سرانجام خلع سلاح و تحکیم و گسترش تنش زدائی و عدم اعمال قهر در حل اختلافات بین المللی و اختلافات محلی، بلکه حل آنها از راه مذاکرات مسالمت آمیز، پدید میآید لزوم مبارزه در راه خلع سلاح را که بدون آن تنش زدائی همواره در خطر است تأیید نمودند. در پیامی که بنام زمان ملل متحد فرستاده شد، کنتفرانس تشکیل يك کنتفرانس خلع سلاح با شرکت همه کشور ها و همچنین نمایندگان سازمانهای غیر دولتی را زیر سرپرستی سازمان ملل متحد خواستار شد. بطور کلی این کنتفرانس مظهر اراده ملیورها نقر از مردم جهان با طرز تفکر و عقاید سیاسی و مذهبی گوناگون بود که برای نجات جامعه بشری از وحشت سلاحهای هسته ای و بروز جنگ جهانی و مسابقه تسلیحاتی که علاوه بر افزایش خطر جنگ در آمد ملتهای جهان بویژه کشور های در حال رشد را با وجود نیاز فراوان آنها به بهبود زندگی میبلند، نمایندگان خود را به هلستینکی گسیل کرده بودند تا در جنبه واحدی برای مقابله با دشمنان تنش زدائی و

شادباش حزب توده ایران . . .

عمده و اساسی حفظ صلح، پیشرفت سوسیالیسم و انقلابهای ملی و دمکراتیک در جهان و یاور ملل در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع است. پیوند ملل انترناسیونالیستی و برادرانه حزب سوسیالیست متحده آلمان با کلیه احزاب برادر و کمونیستی منجمله با حزب توده ایران، و بر خورداری ما از همبستگی برادرانه شما در مبارزه بخاطر استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی مردم ایران، الهام بخش و مورد سپاسگزاری ماست.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در ۲۷ - مین سالگرد تأسیس جمهوری دمکراتیک آلمان نیل به پیروزیهای باز هم شگرفتتری را برای مردم جمهوری برای دولت شما و حزب سوسیالیست متحده آلمان و کمیته مرکزی آن که بر رأس آن شما قرار دارید آرزو مینماید.

پیروز باد سالگرد جمهوری دمکراتیک آلمان! زنده و جاوید باد پیوندهای دوستی برادرانه بین حزب توده ایران و حزب سوسیالیست متحده آلمان!

با درود های کمونیستی
دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران
ایرج اسکندری

علیه نیرو های سیاه ضد صلح و بخاطر بقا و رفاه و آسایش جامعه بشری متحداً کوشش نمائید.

نمایندگان کمیته صلح ایران در کنتفرانس

هیئت نمایندگی ایران در این کنتفرانس بطور فعال شرکت نمود و در سه کمسیون و سه میز گرد علاوه بر اظهار نظر در مسائل کلی مربوط بخلع سلاح تنش زدائی، سیاست نظامی، حکومت دیکتاتوری ایران، خرید میلیارد ها دلار اسلحه، تأسیس پایگاههای بزرگ نظامی، گذاشتن ارتش ایران در اختیار ۲۴ هزار کارشناس نظامی امریکائی که شماره آنها تا ۱۹۸۰ به ۵۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت، نتایج زبانبار این سیاست که نه تنها گریبانگیر مردم ایران واستقلال و آزادی کشور شده بلکه موجب نگرانی قشور های مجاور ایران و ایجاد تشنج در منطقه خلیج فارس، دریای عمان و اقیاس هند نیز گردیده برملا کرد. نمایندگان کمیته صلح ایران نقش حکومت خود کامگی ایران را در اجرایی نقشه های امپریالیستی بویژه در خلیج فارس و پیمان تجسوز کار (ستور) و کشاندن دیگر کشور های منطقه بمسابقه تسلیحاتی ایجاد هیستری جنگ در داخل کشور که بازتاب آن در پرورش جوانان و وسائل ارتباط جمعی همه جا پدیدار است، افشا و آشکار نمود. نمایندگی ایران با تکیه باسناد و ارقام غیر قابل انکار در نشریه ای بجهار زبان شرکت کنندگان در کنتفرانس را با سیاست نظامیگری و تشنج زائی حکومت استبدادی ایران آشنا کرد. علاوه بر افشاکری نمایندگان کمیته صلح ایران، نمایندگان چند کشور دیگر نیز سیاست تسلیحاتی، نظامیگری و تجاوز کارانه ایران را افشا کردند. در گزارش کمسیون سوم این کنتفرانس که بر تفاق آراء تصویب شد چنین میخوانیم: «پیاده ای از کشور های در حال رشد که دارای ثروتهای عظیمی هستند مانند ایران، عربستان سعودی و غیره بجای آنکه این ثروتها را برای رشد کشور های خود ویرایی بهبود زندگی خلقهای کشور های فقیر بکار برند، مبالغ بسیاری صرف خرید سلاحهای میکند که از نیازمندی دفاعی آنها بسیار بدور است. این کشور ها گاهی خود سلاحها را بکشور هائی ارتجاعی برای سرکوب خلقهای آنها صادر میکنند یا از این سلاحها برای مداخله جوئی علیه خلقهای که برای حقوق حقه خود مبارزه میکنند، استفاده مینمایند.»

سیاست نظامیگری حکومت استبدادی ایران و حکومتهای ارتجاعی در جنوب مرزهای اتحاد شوروی چنین ماجراجویانه است که عواقب آنرا باید از دهان رفیق آندره گرومیو و وزیر خارجه شوروی در سی و یکمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد هنگام پیشنهاد شرح و مستدل خود روز ۲۸ سپتامبر مینویسند. لزوم تشکیل کنتفرانس خلع سلاح شنید. رفیق گرومیو چنین گفت: «در کنار گرایش به بهبود وضع در آسیا،

انتخابات انجمن ها . . .

تشکیل انجمنها و انتخابات آن آفلور که در قانون اساسی ایران و متمم آن پیش بینی شده واجد اهمیت فوق العاده است. متمم قانون اساسی ایران در اصول نود و یکم، نود و نود و سوم حاکمیت که: «انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند. . .»، «صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود، و اعضای انجمنهای ایالتی و ولایتی بلا واسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند. . .». اینها حقوقی هستند که در هفتاد سال پیش در زمینه تشکیل انجمنها بمشایه ارگان عالی حاکمیت در محل مردم ایرانت تفویض شده اند.

در مقایسه با انجمن هائی که قانون اساسی و متمم آن مضمون تشکیل آنهاست، آنچه اکنون رژیم بنام انجمنهای شهری و شهرستان تشکیل میدهد تنها کاریکاتوری پیش نیست. طی پنجاه سال عمر رژیم مستبد و ننگین سلسله پهلوی به همه حقوق اساسی که مردم طبق قانون اساسی و متمم آن به بهای دادن قربانیهای بیشمار در انقلاب مشروطه بدست آورده اند، منجمله به حقوق و اختیارات انجمنها دستبرد زده شده. حقوق اختیارات انجمنها که میباید مظهر و مرجع حاکمیت در ایالات و ولایات بوده و بنمایندگی مردم بر امور کلیه دستگاههای دولتی در محل نظارت داشته باشند به سطح شوراهای مسلوب الاختیار در جنب شهرداریها تنزل یافت. از این گذشته ختالات آشکار و پنهانی دولت وسازمانهای پلیسی آن در کار انتخابات انجمنها، زیر پا گذاشتن حق مردم در انتخاب، بلا واسطه، نمایندگان خود، کار انتخابات را به خیمه شب بازی بدل نموده و هر نوع اعتراضی را از انجمنها سلب کرده است.

بجای آنکه انتخابات را مردم و معتمدین آنها اداره کنند، بجای آنکه سرنوشت نامزدها در رأی گیری عمومی بر اساس انتخابات آزاد معین شود، اداره انتخابات بدست دولت و احزاب تحمیلی و خلاق اساعه آن افتاده و سرنوشت نامزدهای انتخاباتی را سلسله مراتب کمسیونهای امنیتی و پلیسی معین میکند. جالب اینست که معاینین رژیم میخواهند به چنین رسوائی، انتخابات آزاد نام بدهند و شاه نیز گستاخانه از انتخابات انجمنهای دمکراتیک، دم میزند.

لیکن نا باوری نسبت به چنین دروغ بزرگ و ادعای بی پایه حتی بر روحیه خود شاه مستولی است. تصادفی نیست که او، که ابتدای کارزار انتخابات تحمیلی کنونی دستور داده بود این انتخابات، «انتخابات انجمنهای دمکراتیک» نامیده شود اکنون گفته خود را پس میگیرد و به انتخابات جعلی نام دیگری میدهد. شاه در مصاحبه اول مهر ماه در دانشگاه تهران، یعنی هنگامیکه فقط دو هفته به پایان انتخابات انجمنه یاقی مانده، چنانکه روزنامه ها نوشته اند، اینطور دستور داده است: «از این پس انتخابات انجمن های «دمکراتیک» بنام انجمنهای «ملی» خوانده شود.» (اطلاعات، اول مهر ماه ۱۳۵۰).

چنانکه می بینیم ادعای دمکراتیک بودن انتخابات انجمنها را خود شاه پس گرفته و بدینسان اعتراف میکند که در رژیم او نه از انتخابات «باصطلاح

واقفیت های دیگری هم وجود دارد. در این بخش از جهان هم آن محافل بسیار فعال هستند که آمادگیهای نظامی را بویژه در منطقه واقع در جنوب مرزهای شوروی تشدید میکنند. تاریخ نظیر این کوششها و بیابان آنها را میشناسد. این امر را نباید فراموش کرد.

کنتفرانس جهانی خلع سلاح در هلستینکی با موفقیت کامل پایان یافت و سنگ بنای مبارزه صلح دوستان را برای خلع سلاح و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی گذاشت. اینک وظیفه صاحبان مستولان تمام جهان مبارزه برای رسیدن به هدفهای انسانی این کنتفرانس است. مردم ایران با مبارزه متحد خود علیه حکومتی که بوسیله تسلیحات هرگونه آزادی را از ما سلب کرده و میهن ما را بمیدان غارتگری و ماجراجویی امپریالیستی تبدیل نموده، میخوانند و باید با واژگون کردن رژیم استبدادی محمد رضا شاه خسود و میهن خود را آزاد و در عین حال بصلح جهانی نیز کمک نمایند.

ا. گویا

شمار جنبه ضد دیکتاتوری . . .

دیکتاتوری، تردید دارند، که هنوز به اهمیت همه نیرو های ضد رژیم عمیقاً پی نبرده اند، که هنوز اسیر پیشداوری، بویژه در باره حزب توده ایران هستند، هشدار و زنهاری باشد که بخود آیند و در راه تحقق «جنبه ضد دیکتاتوری» که نیاز مبرم جنبش ضد دیکتاتوری در میهن ما و خواست قلبی مردم آزاده و میهن پرست ماست گام بردارند.

حزب توده ایران همانطور که با احساس مسئولیت ملی و میهنی خود، مبتکر شعار «جنبه ضد دیکتاتوری» بوده، با همین احساس از هیچ کوششی برای تحقق «جنبه ضد دیکتاتوری» دریغ نخواهد کرد.

م. انوشه

دمکراتیک» بلکه از انتخابات جعلی و تحمیلی میتواند صحبت در میان باشد. لیکن آنچه مربوط به ادعای تازه او در مورد «ملی بودن» انجمنهاست باید گفت که این ادعا نیز ب همان اندازه پوچ و میان تهی است که ادعای قبلی او دایر به «دمکراتیک بودن» انتخابات انجمنها. انجمنهاییکه بتصديق خود شاه، انتخابات آن آنتدر مخدوش است که نمی توانند «دمکراتیک» نامیده شود، بطریق اولی نمیتوانند «ملی» معرفی گردد.

سؤال میشود: کدام يك از خلع سلاح ایران در استفاده از حقوق ملی آزادی عمل دارند که شاه اعلام میکند که انجمنها - انجمنهای ملی نامیده شوند؟ در جامعه اینکه شاه و دارو دسته کودتایش آن را خود سرانه و بدون طبقات، اعلام داشته و يك قلم روی منافع طبقات زحمتکش قلم بطلان کشیده اند، در جامعه ای که حق اظهار نظر پیرامون مصالح ملی، حق اعتراض به تسلط و غارت امپریالیسم بویژه تسلط مرگبار نظامی و سیاسی امپریالیسم امریکا و غارت ثروت کشور بوسیله آن از همه مردم سلب گردیده، چگونه میتواند از انتخابات و ایجاد انجمن های ملی، صحبت در میان باشد؟ اکنون نه تنها در جدی بودن اظهارات و سخنان شاه، بلکه باید در علائق بودن آن تردید بخود راه داد.

در شرایط تسلط رژیم پلیسی و خفقان سیاه استبدادی و دیکتاتوری تنها و تنها میتواند انتخابات تحمیلی صورت گیرد و انجمنهای فرمایشی بوجود آید. هدف تشکیل این نوع سازمانها، که مستلزم تظاهر به انتخابات ورعایت موازین دمکراسی در ظاهر است، بزرگ کردن چهره زشت و منفور رژیم استبدادی و ارتجاعی متکی به امپریالیسم است. تظاهر به انتخابات بجهت شوراها و یا هر سازمان انتخابی دیگر از «بمخبر رژیم ضد ملی و ضد خلقی شاه تنها به منظور ساختن افکار عمودی از ضرورت مبارزه قاطع خلق و همه نیرو های ملی و استقلال طلب و آزادی بخاطر طرد این رژیم صورت میگیرد. رژیم قصد دارد از این راه از اتحاد نیروهای ضد استبدادی علیه خود وتشدید مبارزه آنها جلوگیری کند که این نیز کوششی عبث و بی بهره است. نیرنگهای انتخاباتی قادر نیست مردم را از مبارزه برای طرد رژیم استبدادی و ضد خلقی باز دارد.

تا زمانیکه ترور پلیسی و خفقان استبدادی از میان برداشته نشده اقدام به مانور های انتخاباتی و ایجاد مجامعی که تشکیل آنها مستلزم تظاهرات انتخاباتی است نه در ماهیت رژیم تغییر میدهد و نه برای آن کسب اعتبار مینماید. تظاهرات انتخاباتی رژیم در چنین شرایطی تنها میتواند «علی رغم رژیم» به ایجاد آنچنان امکاناتی بیانجامد که از نظر تلفیق کار بهائی و علنی از جانب سازمانهای مبارز حائز اهمیت است. طبیعی است که استفاده از این امکانات از دید مبارزان دور نمی ماند.

م. جهان

خوانندگان عزیز!

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden